

The Function of Political Jokes in the Conflict between Subalterns and Ruling Elites

Mehdi Mirkiaei* 

Associate Professor, Department of History,
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Introduction

Exploring the political life of the masses has received relatively little attention. The few existing studies on the political behavior of ordinary people have largely focused on moments of rebellion and violent confrontation with governments. This has created the impression that the masses lacked political action during other periods, particularly in times of apparent calm between the government and the public. Yet, a closer look at popular political culture reveals that the people were in constant, if less visible, conflict with various dimensions of government actions. One notable example is the creation and circulation of political jokes. This form of popular culture cannot be confined to a particular historical moment but has persisted throughout different regimes. This raises important questions: What function do these jokes have in the masses' confrontation with the ruling elites? And through the act of narrating

* Corresponding Author: mehdimirkiaei@atu.ac.ir

How to Cite: Mirkiaei, M. (2025), "The Function of Political Jokes in the Conflict Between Subalterns and Ruling Elites", *Political Strategic Studies*, 14(54), 41-74.
Doi: [10.22054/QPSS.2024.79216.3399](https://doi.org/10.22054/QPSS.2024.79216.3399)

such jokes, which strategies of power are the people attempting to undermine in order to resist domination? Applying the theory of hidden transcripts, the present study sought to identify the general forms of resistance employed by subaltern groups against ruling elites. Establishing connections between political jokes and the elements of this theory can help construct a more nuanced picture of the political behavior of the masses as reflected in these jokes.

Literature Review

Several studies have previously analyzed political jokes, including “Wit and Politics: An Essay on Laughter and Power” (Speier, 1998), “Social Dimensions of Stalinist Rule: Humor and Terror in the USSR, 1935–1941” (Thurston, 1991), “Jokes as the Truth About Soviet Socialism” (Christie, 2010), “The Life and Times of Ceausescu Jokes” (Galvan, 2019), and “Political Humor in a Dictatorial State: The Case of Spain (Pi-Sunyer, 1977). However, to date, no research has examined political jokes across different countries through the lens of hidden transcripts theory.

Materials and Methods

This research used a descriptive–explanatory method. The data included political jokes collected from different countries. The analysis and interpretation of these jokes were conducted through the perspectives of theorists such as James C. Scott, Mikhail Bakhtin, and Sigmund Freud. Specifically, Scott’s theory of hidden transcripts formed the core of analytical framework.

Results and Discussion

The research used Scott’s theory of hidden transcripts as the main theoretical framework. Scott, renowned for his studies on the political

behavior of subalterns, emphasizes the often non-violent forms of resistance employed by the masses, particularly in periods of apparent calm between the ruling and the ruled. His theory explains the structured ways in which subordinates respond—both openly and covertly, through words and actions—to dominant groups. In addition to Scott's perspective, the analysis drew on Sigmund Freud's insights in *Jokes and Their Relation to the Unconscious* and Mikhail Bakhtin's views on the role of humor in popular culture. According to the findings, the diversity and abundance of these jokes demonstrate that they serve multiple purposes. By circulating them, the masses attempt, first, to neutralize the efforts of those in power to exert domination in three domains: material, dignitary, and ideological. Second, they try to challenge various aspects of the government's official narrative. Political jokes seek to undermine the ruling groups' strategies (e.g., concealment) in constructing this official tableau and narrative. In some cases, the jokes even appear to affirm the government's main slogans, but they ultimately ridicule and subvert these slogans through the use of double themes and meanings. Some jokes tend to employ the theme of feigned ignorance before the rulers, a strategy often adopted by the masses in societies dominated by military occupation or overt violence. This tactic not only limits exploitation but also creates opportunities for symbolic revenge for insults. Political jokes also function as a system of care and blame, through which subaltern groups monitor their peers to discourage collaboration with ruling elites or acquiescence to tyranny. Beyond resistance, many jokes also give expression to people's hopes and dreams, offering glimpses of their vision for an ideal society.

Conclusion

The persistence of people in sustaining this form of popular culture and secretly sharing these jokes, even during the most violent periods

of authoritarian rule, highlights its significance as a form of political action, suggesting that its impact extends beyond mere psychological consequences.

Keywords: Political Jokes, Subalterns, Hidden Transcripts, Non-violent Conflict.



کارکرد لطیفه‌های سیاسی در مواجهه فرودستان با نخبگان حاکم

مهدی میرکیایی*  دانشیار گروه تاریخ دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

نقل لطیفه در نقد گروه‌های حاکم، به یک دوره از حیات سیاسی توده‌ها اختصاص نداشته و استمرار آن گواه اهمیت آن در مواجهه ایشان با ارباب قدرت است و این پرسش را پیش می‌کشد که پراکنده شدن این لطیفه‌ها چه کارکردی در حیات سیاسی توده‌ها دارد؟ فرضیه این است که توده‌ها با نقل لطیفه‌های سیاسی تلاش می‌کنند سلطه را در هر سه ساحت مادی، منزلتی و ایدئولوژیک به چالش بکشند. در برخی موارد لطیفه‌ها ابزار آموزش «تجاهل در برابر اصحاب سلطه» بود که در کاهش استثمار کاربرد می‌یافت. در این لطیفه‌ها ستم‌پذیری در برابر ارباب قدرت در یک نظام مراقبت که از سوی توده‌ها برقرار می‌شد سرزنش می‌شد و گاهی نیز لطیفه‌ها آینه آرزوهای توده‌ها می‌شدند تا وضعیت مطلوب آنها را تصویر کنند. چهارچوب نظری این پژوهش، نظریه روایت‌های نهانی از جیمز سی. اسکات است که کوشش کرده اشکال گوناگون مقاومت فرودستان را در برابر نخبگان حاکم در دوره‌هایی که توده‌ها آرام و بدون کنش به نظر می‌رسند تشریح و صورت‌بندی کند. پیش از این، پژوهش‌هایی پیرامون لطیفه‌های سیاسی کشورهای مختلف از مناظر گوناگون انجام شده است، اما تاکنون تحقیقی با بهره‌گیری از نظریه روایت‌های نهانی برای تشریح جایگاه این لطیفه‌ها در حیات سیاسی عامه صورت نگرفته است.

واژگان کلیدی: لطیفه سیاسی، فرودستان، روایت‌های نهانی، مبارزه خشونت‌پرهیز.

مقدمه

کاوش در حیات سیاسی توده‌های مردم از حوزه‌هایی است که کمتر به آن توجه شده است و پژوهش‌های اندکی نیز که پیرامون رفتار سیاسی این بخش از جامعه صورت گرفته بیشتر کنش‌های ایشان را در دوره‌های شورش و مواجهه خشونت‌بار با حکومت‌ها مورد توجه قرار داده است؛ گویی توده‌ها در سایر دوره‌ها و مقاطعی که به ظاهر آرامشی بر روابط حکومت و مردم حکمفرما بوده است فاقد عمل سیاسی بوده‌اند. این در حالی است که با بررسی بخش‌هایی از فرهنگ سیاسی عامه می‌توان آنها را در کشمکشی دائمی با تمام ابعاد کنشگری‌های حکومت مشاهده کرد. ساختن و پراکندن لطیفه‌های سیاسی یکی از پاره‌های فرهنگ عامه است که نمی‌توان آن را به یک دوره خاص از حیات سیاسی ایشان محدود دانست و در سراسر عمر حکومت‌ها تداوم و استمرار داشته است. مداومت مردم در زنده نگه داشتن این قالب از فرهنگ عامه و نجوا و نقل پنهانی این لطیفه‌ها، حتی در دشوارترین دوره‌های خشونت حکومت‌های اقتدارگرا، حکایت از اهمیت آن در کنش سیاسی آنها دارد و نمی‌توان تاثیر آن را تنها به پیامدهای روانی آن برای توده‌های سرکوب شده محدود کرد. در این وضعیت پرسشی که در ذهن پژوهشگران پدید می‌آید آن است که نقل این لطیفه‌ها چه کارکردی در رویارویی توده‌ها با نخبگان مسلط دارد که مردم در هر شرایطی بر روایت آنها اصرار دارند؟ و با روایت این لطیفه‌ها به دنبال خنثی کردن کدام یک از راهبردهای اصحاب قدرت در اعمال سلطه بر توده‌ها هستند؟

فرضیه این است که تنوع مضامین این لطیفه‌ها و کثرت و پرشماری آنها گواه آن است که برای به ثمر نشستن اهداف گوناگونی طراحی شده‌اند. توده‌ها با پراکندن این لطیفه‌ها در گام نخست تلاش می‌کنند تکاپوی ارباب قدرت را برای اعمال سلطه در سه حوزه مادی، منزلتی و ایدئولوژیک خنثی کنند و از سویی ابعاد مختلف روایت رسمی حکومت را از وضعیت جامعه به پرسش کشیده و تصویر برساخته آنها را از وضعیت کشور خدشه‌دار کنند. این لطیفه‌ها به دنبال خنثی کردن ترفندهای گروه‌های حاکم همچون «پنهان‌سازی» در ترسیم این تابلو و روایت رسمی هستند. لطیفه‌ها در برخی موارد در ظاهر شعارهای اصلی حکومت را تایید می‌کنند اما با به کارگیری مضامین دوپهلوی در اصل به ریشخند این شعارها می‌پردازند. در بعضی لطیفه‌ها به بن‌مایه «تجاهل در برابر فرادستان» برمی‌خوریم که گونه‌ای از رفتار توده‌ها در برابر زمامدارانی است که به‌ویژه با اشغال نظامی و خشونت عریان بر یک جامعه مسلط شده‌اند. این ترفند عامه در کاستن از تصاحب دسترنج آنها موثر می‌افتاد.

لطیفه‌های سیاسی همچنین بازتاب دهنده یک سامانه مراقبت و ملامت است که فرودستان برای نظارت بر همترازان خود پدید می‌آورند تا ایشان را از همکاری با نخبگان حاکم یا پذیرش ستمگری‌های آنها باز دارند. افزون بر این موارد، بعضی لطیفه‌های سیاسی به بازتاب امیدها و آرزوهای مردم اختصاص می‌یافتند تا تصویر گر جامعه مطلوب از نگاه آنها باشند.

چهارچوب نظری پژوهش، نظریه روایت‌های نهانی از جامعه‌شناس سیاسی جیمز سی. اسکات است که پژوهش‌های او پیرامون رفتار سیاسی فرودستان مشهور است. اسکات در این نظریه به دنبال تشریح مواجهه عموماً خشونت‌پرهیز توده‌ها با سلطه است، به‌ویژه در دوره‌هایی که ارتباط آنها با ارباب قدرت از آرامشی ظاهری برخوردار است. این نظریه به دنبال توضیح واکنش ساختارمند فرودستان به گروه‌های مسلط در وجوه گوناگون کلامی و عملی به صورت آشکار و نهان است. در این پژوهش در کنار دیدگاه اسکات، در برخی موارد از آرای فروید، بازتاب یافته در کتاب «لطیفه و ارتباط آن با ناخودآگاه» و نیز نظرات میخائیل باختین درباره کارکرد لطیفه‌ها در فرهنگ عامه بهره برده‌ایم.

پیش از این، تحقیقات گوناگونی برای تحلیل لطیفه‌های سیاسی انجام شده است. هانس/اشپیر در مقاله “Wit and Politics: An Essay on Power and Laughter” از سویی به تکنیک‌های طنز و به خنده انداختن مخاطب اشاره می‌کند و از طرفی تلاش می‌کند مشابهت لطیفه‌هایی را که در کشورهای مختلف پراکنده شده بودند بیابد. اشپیر تاکید می‌کند که لطیفه‌های سیاسی فقط افراد را هدف قرار نمی‌دهند بلکه گاهی بر گروه‌های اجتماعی، محافل و بعضی طبقات متمرکز می‌شوند و از سویی گاه نهادها، سیاست‌ها و ارزش‌ها را هدف می‌گیرند. اشپیر توجه مخاطب را به این نکته جلب می‌کند که درک یک فرد از یک لطیفه سیاسی به درک او از سیاست وابسته است و فهمیدن روابطی که در یک لطیفه مطرح می‌شود به شناختی نسبی از شرایط سیاسی نیاز دارد. اشپیر کارکردهای طنز در روابط عادی انسانی را به حوزه سیاست و لطیفه‌های سیاسی تسری می‌دهد مانند این نکته که طنز، دفاع مخاطب را تضعیف می‌کند. او همچنین به لطیفه‌هایی اشاره می‌کند که به ظاهر سیاسی نیستند اما در ربط با یک موضوع سیاسی نقل می‌شوند. از سویی به کارکردهای اجتماعی لطیفه‌های سیاسی اشاره دارد؛ ایجاد پیوند بین مردم و آرامش افراد پس از نقل این لطیفه‌ها بخشی از این کارکردها است.

رابرت تارستون در مقاله “Social Dimensions of Stalinist Rule: Humor and Terror in the USSR” به نسبت اعتراض به شرایط سیاسی و انتقاد از وضعیت اقتصادی در

لطیفه‌های شوروی در دوران وحشت بزرگ پرداخته است. تارستون تاثیرات خنده را بر زندگی اجتماعی مردم در این دوره بررسی کرده است. تاثیراتی همچون کنترل ترس از حکومت و کاهش این ترس، نزدیک شدن مردم به یکدیگر و تلاش آنها برای حل مشکلات یکدیگر. تارستون از سویی تاکید می‌کند انتشار این لطیفه‌ها در جامعه، تلاش حکومت را برای یکسان‌سازی مردم خنثی می‌کرد.

کریستی دیویس در مقاله “Jokes as the Truth about Soviet Socialism” بر کارکرد توصیفی لطیفه‌های سیاسی تاکید دارد. او معتقد است این لطیفه‌ها توان تغییر اوضاع را ندارند و فقط می‌توانند تصویری دقیقتر و نزدیکتر به واقعیت از آن جامعه ارائه دهند و مثال می‌زند که لطیفه‌ها دماسنج هستند نه ترموستات. او این جمله مشهور را که هر لطیفه سیاسی انقلابی کوچک است نمی‌پذیرد و در مقابل بر این باور است که لطیفه‌های سیاسی، جزایر کوچک آزادی هستند. او لطیفه‌هایی که در شوروی نقل می‌شدند را تنها گریز کوچکی از هژمونی سوسیالیستی می‌داند. این لطیفه‌ها نشانه بیگانگی توده‌های وسیع مردم از کل نظام شوروی بودند. به باور او لطیفه‌های سیاسی شاخص‌های خوبی هستند که نشان دهند تنش‌های یک جامعه کدامند؟ این لطیفه‌ها همچنین وسیله ارتباطی توده‌ها با یکدیگر بودند.

گابریلا گالوان در مقاله “The Life and Times of Ceausescu Jokes” به‌طور خاص بر لطیفه‌هایی متمرکز شده است که پیرامون چائوشسکو و همسرش در رومانی منتشر می‌شدند. او اشاره می‌کند که این زوج در لطیفه‌ها هم‌چون شرایط واقعی سیاسی رومانی در مرکز توجه بودند. او به نقش این لطیفه‌ها در زمینه‌سازی انقلاب ۱۹۸۹ رومانی می‌پردازد و آن‌ها را منبعی غنی از آنچه درباره این زوج و دیکتاتوری رومانی در اذهان ثبت شده بود می‌داند. به باور او این لطیفه‌ها تصویری از گذشته کمونیستی رومانی را ارائه می‌دهند و بخش مهمی از بایگانی گفتمان‌های رایج در رومانی هستند.

آریل سانیه در مقاله “Political Humor in a Dictatorial State: The Case of Spain” بیشتر به تاثیرات روانی لطیفه‌های سیاسی که در دوران دیکتاتوری فرانکو در اسپانیا نقل می‌شدند می‌پردازد. به باور او این لطیفه‌ها به کاهش اضطراب مردم در آن دوران و کاستن از احساس درماندگی کمک می‌کرد. او از سویی نقل و روایت لطیفه‌های سیاسی را گونه‌ای از مقاومت خشونت‌پرهیز مردم می‌داند که کنترل آن برای حکومت دشوار بود.

تاکنون پژوهشی پیرامون لطیفه‌های سیاسی کشورهای مختلف با بهره‌گیری از نظریه روایت‌های نهانی صورت نگرفته است. در این مقاله تلاش شده است با بهره‌گیری از این نظریه، اشکال عمومی مقاومت فرودستان در برابر نخبگان حاکم را تشریح و با برقراری تناظری بین لطیفه‌های سیاسی با هر یک از بخش‌های این نظریه، تصویری از رفتار سیاسی توده‌های مردم را که در لطیفه‌ها بازتاب یافته است ترسیم شود.

چهارچوب نظری

نظریه روایت‌های نهانی از دیدگاه‌های مشهور پیرامون رفتار سیاسی فرودستان است که جیمز سی. اسکات آن را بر اساس کنش و واکنش‌هایی که بین گروه‌های مسلط و فرودستان درمی‌گیرد تدوین کرده است. این نظریه بر پایه این گزاره که «با پدید آمدن سلطه، مقاومت نیز در برابر آن شکل خواهد گرفت» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۲۴) صورت‌بندی شده است. از همین‌رو نظریه پرداز ابتدا به تشریح کنش‌های گروه‌های مسلط می‌پردازد. بر اساس این نظریه، ارباب قدرت به‌صورت همزمان، سلطه را در سه ساحت مادی، منزلتی و ایدئولوژیک دنبال می‌کنند. سلطه مادی به اعمال اراده نخبگان حاکم با بهره‌گیری از خشونت عریان و سرکوب اختصاص دارد. در سلطه منزلتی، فرادستان بر برتری جوهری و سیادت تکوینی خود بر توده‌ها تاکید دارند و در سلطه ایدئولوژیک از برخی جهان‌بینی‌ها برای موجه نشان دادن نابرابری‌ها بهره می‌برند (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۲۴).

نخبگان حاکم برای پیشبرد سلطه در این سه قلمرو، یک نمایش عمومی را در برابر توده‌ها به اجرا می‌گذارند که راوی اقتدار آنها و همچنین سیادت ذاتی و برتری ذاتی آنها بر توده‌هاست. از سویی بر پابندی آنها به یک ایدئولوژی مشخص حکایت دارد و از طرفی بر دادپیشگی زمامداران و رضایت عمومی از وضع معیشت تاکید می‌کند. گروه‌های مسلط برای اجرای این نمایش عمومی از پنج راهبرد پنهان‌سازی، تلطیف، بدنام‌سازی، اجماع و رژه و تجمع استفاده می‌کنند. در «پنهان‌سازی» هر خبری که اقتدار یا سیادت ذاتی نخبگان حاکم را زیر سوال می‌برد پنهان می‌شود. در راهبرد تلطیف، اعمالی که قابل پنهان کردن نیستند با انتخاب برخی واژه‌ها بزرگ و تزیین می‌شوند؛ در این وضعیت ممکن است از «اردوگاه کار اجباری» به «اردوی بازپروری» یاد شود. در بدنام‌سازی، اشخاص و برخی فعالیت‌ها که در مسیر مخالف نمایش عمومی حکومت قرار دارند بی‌آبرو و بدنام می‌شدند؛ به این ترتیب ممکن است انقلابیون، دزد و راهزن یا خرابکار نام بگیرند. راهبرد اجماع برای پنهان کردن اختلاف‌نظرها و منازعات درون حکومت دنبال می‌شود چون ممکن است انتشار خبر این کشمکش‌های درون حکومت، قدرت چانه‌زنی توده‌ها را با نخبگان حاکم بالا ببرد. رژه و

تجمع، «تابلویی زنده از نظم و کنترل متمرکز است و منطق آن، هوشی واحد در مرکز که همه حرکات را کنترل می‌کند» (اسکات، ۱۳۹۶: ۷۲).

اسکات، واکنش توده‌ها را به این نمایش عمومی در چهار سطح رصد کرده است. توده‌ها در گام اول، کنشی را انتخاب می‌کنند که کمترین مواجهه و آسیب را در پی داشته باشد. آنها نمایش عمومی فرادستان را تایید می‌کنند تا بر اساس آن امتیازهایی از ایشان بگیرند. به بیان اسکات: «هر حکومتی که به پابندی به یک ایدئولوژی تظاهر می‌کند ذاتاً اسلحه‌ای را به دست مخالفانش می‌دهد» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۱۶). توده‌ها نیز با بهره‌گیری از همین وضعیت، از زمامداران انتظار دارند معیارهایی را که مشروعیت خود را بر اساس آنها بنا کرده‌اند زیر پا نگذارند. اما در گام بعدی، عامه در نهانگاه‌ها و زوایای امن خانه‌ها، جایی که نگاه تیزبین قدرت به آن راهی ندارد، با زبانی تند و بیانی سراسر خشم، به نقد نمایش عمومی گروه‌های حاکم می‌پردازند. این انتقادات «روایت نهانی» توده‌ها را می‌سازد. عامه در روایت خود دو راهبرد «نفی» و «خنثی‌سازی» را دنبال می‌کند. از سویی به نفی ادعاهای فرادستان در نمایش عمومی که بر اقتدار و سیادت ذاتی ایشان، تقیدشان به ایدئولوژی و رضایت عموم تاکید دارد می‌پردازند و از طرفی به خنثی‌سازی راهبردهای پنج‌گانه آنها در شکل دادن به نمایش عمومی. اسکات این بخش از کنش توده‌ها را «ویژگی بازتابی روایت نهانی» می‌نامد (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۱۷).

توده‌ها تمایل دارند این روایت نهانی را با دیگر هم‌ترازان خود به اشتراک بگذارند و از محافل امن که اسکات آن را «گهواره روایت نهانی»^۱ می‌نامد به سطح جامعه بکشانند؛ در اینجا بخش سوم کنش سیاسی عامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. توده‌ها برای مصون ماندن از گزند، گماشتگان قدرت نیاز دارند که این روایت نهانی را با استتارهایی در سطح جامعه مطرح کنند. اسکات این استتارها را به دو دسته ساده که در آنها «پیام آشکار ولی پیام‌آور پنهان» است و پیچیده که در آنها «پیام‌آور آشکار ولی پیام پنهان» است تقسیم می‌کند. در استتار ساده، فرودستان از «گمنامی» و «ظرفیت‌های شفاهی» فرهنگ خود بهره می‌برند؛ ترانه‌ای که هر کس می‌تواند سرودن آن را به دیگری نسبت دهد یا تغییری در آن ایجاد کند که «مالکیتی جمعی» پیدا کند، نمایشی که هیچ‌گاه دیالوگ‌های آن نوشته یا ثبت نشده است تا مفتشان حکومت متنی برای استناد نداشته باشند و شعاری که در کوچه‌های تاریک فریاد زده می‌شود و گوینده می‌گریزد یا در میان انبوه جمعیت پنهان می‌شود که هیچ‌کس مسئولیت گفتن آن را به عهده نمی‌گیرد «و این پراکندگی مسئولیت چنین تهاجمی را میسر می‌کند»

(اسکات، ۱۳۹۶: ۱۵۵). اما در استتار پیچیده، توده‌ها به سراغ برخی قالب‌های ادبی می‌روند که دو مضمون سیاسی و خنثی را در بر دارند تا در صورت تعرض ماموران حکومت، معصومانه به معنای غیر سیاسی و بی‌ضرر آن متوسل شوند. اینجاست که پای قوالب متنوع فرهنگ عامه همچون قصه‌ها، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لطیفه‌ها، بازی‌ها، آیین‌ها و ... به میان می‌آید.

توده‌ها با بهره‌گیری از این استتارها نه تنها این مضامین روایت‌های نهانی را با سایر فرودستان به اشتراک می‌گذارند تا به «نقد مشترک سلطه» پردازند؛ بلکه از استتارهای پیچیده برای برقراری گفتگویی بی‌ضرر و بدون آسیب با اصحاب سلطه نیز بهره می‌برند. آنها با ترفند تلطیف (با تلطیفی که فرادستان به کار می‌برند متفاوت است) به سرزنش و تهدید نخبگان حاکم می‌پردازند؛ اما به گونه‌ای آن را در لفافه مضامین دوپهلوی سیاسی و بی‌ضرر پنهان می‌کنند که ارباب قدرت دستاویزی برای تنبیه آنها نداشته باشند. بهره‌گیری از «وارونگی نمادین» یکی از این شگردها برای تهدید پوشیده گروه‌های مسلط است. در جهانی وارونه که با تصاویر یا داستان‌ها روایت می‌شود تمام مناسبات قدرت معکوس می‌شوند و ضعیف از قوی انتقام می‌گیرد. در بسیاری از قصه‌های عامیانه، قهرمان فرودست قصه به مقام پادشاهی می‌رسد و شاه، آواره و تهیدست می‌شود. در تصویرسازی‌های دنیای وارونه در اروپای قرون وسطی، ماهی مرد ماهیگیر را صید، غاز آشپز را در روغن سرخ و گاو، قصاب را سلاخی می‌کند. تصاویر دنیای وارونه به مخاطب فرادست هشدار می‌دهند که مناسبات قدرتی که هم اکنون بر جامعه حاکم است همیشگی و ابدی نیست و روزی معکوس خواهد شد (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۸۰). توده‌ها از سرزنش پوشیده فرادستان نیز غافل نیستند. داستان‌پردازی درباره پادشاهان دادگر تاریخی یا اسطوره‌ای و ستایش دائم آنها یکی از ترفندهای توده برای طعنه به زمامداران وقت بوده است. شاه‌دوستی ساده‌دلانه یکی دیگر از روش‌های عامه برای برقراری «گفتگو با سلطه» است. در این ترفند، مردم تظاهر می‌کنند که به تمام آنچه در نمایش عمومی پیرامون شاه گفته شده، باور دارند و تمام ستم‌ها، زورستانی‌ها و هتک‌ها از کارگزاران او سر می‌زند که پادشاه را فریب داده‌اند. پادشاه نیک‌سرشت تلاش دارد مصیبت‌ها و رنج‌های رعایایش به پایان برسد اما درباریان بدسرشت مانع می‌شوند و او را از فلاکت‌های توده بی‌خبر می‌گذارند. در این وضعیت، رعایا می‌توانند در برابر گماشتگان حکومت بایستند و آنها را به‌خاطر این که برخلاف میل پادشاه رفتار می‌کنند نکوهش کنند. به این ترتیب، ترفند شاه‌دوستی ساده‌دلانه، زمینه را برای اعتراض به همه اجزای حکومت آماده می‌کند؛ اعتراضی که با اعلام وفاداری به پادشاه موجه شده است (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

نکته درخور توجه در نظریه اسکات این است که روایت‌های نهانی فقط دربردارنده کنش‌های گفتاری نیستند و عامه در نهان به اقدامات عملی گسترده‌ای نیز دست می‌زنند. کم‌کاری، سرقت، تخریب دستگاه‌ها، شکار غیرقانونی، فرار از کار اجباری، گریز از پرداخت مالیات و ... نمونه‌هایی از این اعمال فرودستان هستند که برای کاستن از بهره‌کشی‌ها و جلوگیری از غصب بیشتر دسترنج‌شان طراحی می‌شوند (اسکات، ۱۳۹۶: ۲۰۲).

چهارمین سطح از واکنش توده‌ها به سلطه، با آشکار شدن روایت‌های نهانی آغاز می‌شود و رویارویی عیان فرودستان و فرادستان به بلوا و شورش منتهی می‌شود که اگر خاموش نشود به‌صورتی جسورانه‌تر از سوی توده‌ها پیگیری می‌شود. اما به بیان اسکات، این دوره‌های شورش، کمیاب و نادر هستند و کنش سیاسی اصلی توده‌ها در همان سه سطح پیشین و به‌صورت دائمی دنبال می‌شود (اسکات، ۱۳۹۶: ۲۱۷).

تایید روایت رسمی حکومت

بنا بر نظریه روایت‌های نهانی، فرودستان در نخستین سطح واکنش به سلطه، امن‌ترین شیوه رویارویی سیاسی را انتخاب و سعی می‌کنند با تایید نمایش عمومی حکومت، نارضایتی خود را زیر نقاب فرمانبرداری پنهان کنند. از همین جهت به باورداشتن همه ابعاد روایت رسمی وانمود می‌کنند. این پذیرفتن روایت حکومت، فرصت‌هایی را در اختیار آنها می‌گذارد تا با تکیه بر برخی واژه‌های روایت رسمی و نمایش عمومی حکومت و «روزنه‌هایی که در هر ایدئولوژی برای تفسیر وجود دارد» (اسکات، ۱۳۹۶: ۳۰) بعضی حقوق و امتیازات را از زمامداران مطالبه کنند. اما در لطیفه‌ها و با توجه به اینکه این بخش از ادبیات سیاسی توده به روایت نهانی آنها تعلق دارد و نه روایت آشکاری که در حضور اصحاب سلطه دارند، تایید روایت نخبگان حاکم با پیوستی همراه می‌شود که بخش نخست لطیفه (بخشی که به تایید نمایش عمومی حکومت اختصاص دارد) را به سخره می‌گیرد و موجب خنده مخاطب می‌شود. مانند این لطیفه:

- لذت‌بخش‌ترین پول برای سفر چه پولی است؟

- روبل شوروی، زیرا همه با دیدن آن می‌خندند (Chamberlin, 1957: 31).

بخش نخست لطیفه با دیدگاه و تبلیغات حکومت کمونیستی همسو است و تصویری آبرومند از ارزش روبل ارائه می‌کند، اما بخش دوم آن مخاطب را غافلگیر و به خنده می‌اندازد.

در لطیفه‌ای متعلق به آمریکا و عصر نیکسون نیز این ساختار دوگانه مشاهده می‌شود:

- من خوشحالم که یک آمریکایی هستم: خوشحالم که آزادم. اما ای کاش یک سگ کوچولو بودم و نیکسون یک درخت بود. آمین (Preston, 1975: 240).

در ایران در دولت حسین علا، باشگاه شیران ویژه اعضای کابینه تاسیس شده بود و این لطیفه بین مردم نقل می‌شد:

وزیران دولت شیر هستند و نخست وزیر، سرشیر (گردآوری شده توسط نگارنده).

پاره نخست لطیفه، هم‌نوا با روایت رسمی بر توانمندی و شجاعت وزرا تاکید می‌کند و در بخش دوم، با سرشیر خواندن رئیس این وزرا تمام روایت را ریشخند کرده، از اعتبار ساقط می‌کند. در گروهی از این لطیفه‌ها در ظاهر تمام لطیفه به تایید روایت حکومت تعلق دارد:

- تفاوت بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم چیست؟

- در سرمایه‌داری، انسان انسان را استثمار می‌کند، در سوسیالیسم، دقیقاً برعکس است (Speier, 1998: 1392).

این لطیفه‌ها بخشی از روایت نهانی هستند که برای نقل در سطح جامعه و در برابر گماشتگان قدرت طراحی شده‌اند؛ جایی که توده‌ها از استتارهای پیچیده بهره می‌برند. در این گونه از استتار که پیام، پنهان و پیام‌دهنده آشکار است آنچه مردم نقل می‌کنند دارای دو مضمون سیاسی و بی‌ضرر است که در صورت تعرض مأموران حکومت می‌توانند به بن‌مایه بی‌ضرر آن متوسل شوند. در لطیفه بالا، درونمایه بی‌ضرر، معکوس بودن نتیجه سوسیالیسم و سرمایه‌داری است؛ اما این مضمون هم از آن برداشت می‌شود که عکس «استثمار انسان از انسان» هم تفاوتی با آن ندارد و در سوسیالیسم هم این استثمار رخ می‌دهد. لطیفه زیر هم از همین گونه است که در ظاهر بر این نکته تاکید می‌کند که تماشای چهره لنین آرامش‌بخش است اما مضمون دیگری هم از آن برداشت می‌شود: او مُرد و جانشینان او هم خواهند رفت:

- در قلب مسکو یک بنای سنگی قرار دارد و لنین در آنجا آرام گرفته است. اگر غمگین و خسته‌ای و هیچ چیز تو را تسلی نمی‌دهد، برو آن‌جا و به لنین نگاه کن (Davies, 2011: 239).

تشکیک درباره اقتدار حکومت

اسکات، نخستین ساحت سلطه را به‌عنوان «سلطه مادی» صورت‌بندی می‌کند که به بهره‌کشی گروه‌های حاکم در حوزه‌هایی همچون دریافت مالیات‌های سنگین، چنگ انداختن بر منابع ارزشمند اقتصادی، کاستن از بودجه‌های رفاهی، محدود کردن آزادی و ... اختصاص دارد و ابزار آن نیز صلابت و اقتدار نظامی و امنیتی است؛ اما توده‌ها با پایش دائمی اتفاقات درون حاکمیت، به حوادثی پی می‌برند که اقتدار حکومت را با تردید مواجه می‌کند. اقتداری که زمامداران با نمایش همیشگی آن در بسیاری اوقات از به‌کار بردن واقعی خشونت بی‌نیاز می‌شوند و با نمایش برق اسلحه‌شان توده‌ها را به تمکین وادار می‌کنند. توان نیروهای نظامی از نشانه‌های آشکار سرکوب است که حکومت به هر اندازه بتواند آن را به رخ توده‌ها بکشد در وادار کردن آنها به اطاعت موفق‌تر است. ذکر پیاپی پیروزی‌های نظامی، عامه را به سوی این باور می‌راند که رویارویی با نخبگان حاکم غیرممکن است و چاره‌ای جز پذیرش خواست و اراده حاکمیت ندارند. اما زیر سوال بردن این اقتدار و یادآوری شکست‌ها، ضعف‌ها و حقارت‌های حکومت، ترفند مردم برای زورآزمایی خاموش با اصحاب قدرت است.

به بیان اسکات، شیوه مقاومت بازتابی از شیوه سلطه است (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۱۷)؛ به همین علت، هر اندازه حکومت برای اثبات اقتدارش تلاش می‌کند لطفه‌هایی که این اقتدار را نفی می‌کنند و زیر سوال می‌برند، بیشتر بین مردم منتشر می‌شود. به رخ کشیدن توان نیروهای نظامی، یکی از کنش‌های دائمی حکومت‌ها در شکل دادن به نمایش عمومی و روایت رسمی است و واکنش توده‌ها در روایت نهانی خود، به پرسش کشیدن قدرت نیروهای نظامی و پیروزی‌های آنهاست. همچون این لطفه که در عصر نازی‌ها در آلمان نقل می‌شد:

یک سرباز نازی به دروازه بهشت می‌رسد. سن پتر به او می‌گوید: پس تو الان مرده‌ای.

سرباز پاسخ می‌دهد: اوه، نه! بر اساس بیانیه رسمی برلین، من همچنان پیروزمندانه به سمت مسکو پیشروی می‌کنم (Talmadge, 1943: 51).

به بیان میخائیل باختین: «آنچه حماسه را نابود می‌کند خنده است» (باختین، ۱۳۸۷: ۵۷) و در حالی که حکومت نازی به دنبال انتشار روایت‌های حماسی درباره پیشروی سربازانش در جنگ روسیه بود ویژگی بازتابی روایت نهانی سبب می‌شد تا توده‌ها همین روایت‌پردازی‌های سرشار از حماسه را با لطیفه به چالش بکشند.

همسان بودن رفتار حکومت‌های اقتدارگرا موجب واکنش‌های مشابه از سوی توده‌ها می‌شود. شباهت در مضامین دو لطیفه که در مصر و آلمان نازی منشتر شده‌اند گواه این امر است:

پس از پایان جنگ اعراب و اسرائیل، افسر عرب نقشه قلمرو از دست رفته را روی بازوی خود خالکوبی می‌کند.

سربازی نقشه را روی بازوی افسر می‌بیند و با تعجب از او می‌پرسد: «آقا، چرا نقشه سرزمینی را که ما از دست دادیم روی بازوی خود رسم کرده‌اید؟». افسر پاسخ می‌دهد: «برای اینکه همیشه به‌خاطر داشته باشم آنجا توسط دشمن اشغال شده است.»

سرباز می‌پرسد: «آقا، اگر سرزمین ما آزاد شود، با خالکوبی چه می‌کنید؟» افسر پاسخ می‌دهد: «بازویم را قطع می‌کنم!»

عبارت «دستم را قطع می‌کنم اگر ...» در زبان عربی، به عدم امکان وقوع یک رویداد برای گوینده اشاره دارد، یا گواه اعتقاد گوینده به این است که یک رویداد خاص هرگز اتفاق نخواهد افتاد (Badarneh, 2011: 312).

دو پهلوی بودن مضمون این لطیفه، بنا بر نظریه روایت‌های نهانی برخاسته از استتار پیچیده، گفتمان پس پرده‌ای است که میل به آشکار شدن در سطح جامعه دارد. این حکایت در ظاهر، تعصب میهنی یک فرمانده نظامی و عزم او را برای آزادسازی سرزمین‌های از دست رفته روایت می‌کند و از طرفی با تعبیر دیگری از قطع کردن بازو، بر غیر ممکن بودن چنین رجزهایی و ناتوانی حکومت در دست یافتن به این هدف‌ها انگشت تاکید می‌گذارد.

نفی اقتدار حکومت‌ها تنها به تمسخر نیروهای نظامی یا زیر سوال بردن ادعای حکومت‌ها درباره پیروزی‌های بزرگ محدود نمی‌شود بلکه هر یک از تظاهرات و نمایش‌هایی که شکوهمندی اجزای حکومت را به رخ توده‌ها می‌کشند و به بیان اسکات «مناسک قدرت» را می‌سازند مایه‌هایی برای ساختن لطیفه‌هایی در نفی صلابت و اقتدار حکومت می‌شوند. از همین رو مدال‌های پرشماری که

شخصیت‌هایی همچون *هرمان گورینگ* از سینه می‌آویختند دست‌مایه ساخت لطفه‌های بسیاری شده بود:

گورینگ در حال سرکشی به کارخانه اسلحه‌سازی است، ناگهان ناپدید می‌شود. همراهانش شروع به جستجو می‌کنند و سرانجام با شنیدن فریادهای او پیدایش می‌کنند. یک آهن‌ربای غول‌پیکر، او را به‌خاطر تمام مدال‌هایی که به لباسش زده به بالا کشیده است (Hillenbrand, 1995: 46).

در ایران نیز لقب‌های خسروخان مقتدر نظام، سردار اعتماد، که سال‌ها مسئولیت اسلحه‌خانه ارتش را به عهده داشت گواه تلاش حکومت برای ارائه تصویری از اقتدار خود در قالب القاب اعطایی به کارگزاران و فرماندهان نظامی بود؛ اما مقتدرنظام که مسئولیت برپایی آتش‌بازی در جشن‌ها را هم به عهده داشت از سوی مردم به «سردار فشفشه» مشهور شده بود (بامداد/ج ۱، ۱۳۶۳: ۴۷۹) تا یادآور این نکته باشد که او نه با تجربه‌های جنگی و حماسی بلکه با راه‌اندازی آتش‌بازی ارتقا پیدا کرده است. در این جا نیز «خنده» در برابر «حماسه» قرار می‌گیرد.

به چالش کشیدن سیادت و برتری ذاتی نخبگان حاکم

بنا بر نظریه روایت‌های نهانی، برقراری دومین قلمرو سلطه یا سلطه منزلتی از طرفی نیازمند نسبت دادن بعضی مختصات شخصیتی، فراتر از تراز انسان‌های عادی به فرادستان است و از سویی بر تحقیر دائمی عامه تاکید دارد تا سیادت تکوینی و ذاتی نخبگان حاکم را اثبات کند: «هیچ نظام سلطه‌ای نیست که توهین‌های روزمره مخصوص خود و آسیب به کرامت انسانی را همراه نداشته باشد و یکی از تمایزهای اساسی که می‌توان بین شکل‌های مختلف سلطه ترسیم کرد بر اساس انواع مختلف هتک حرمتی است که اعمال قدرت همواره ایجاد می‌کند» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۹). به همین جهت، به هر اندازه که روایت رسمی حکومت و نمایش عمومی حاکمان در اسناد این مختصات فرانسسانی به ارباب قدرت اغراق می‌کنند توده نیز برای کشف ضعف‌ها و نقصان‌های شخصیتی اصحاب سلطه بیشتر سعی می‌کند. این کوشش برای تلافی در روایت‌های نهانی بازتاب می‌یابد تا فرودستانی که از تحقیرها رنج برده‌اند برای پدید آمدن «گفتمان کرامت» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۲۷) و زیر سوال بردن سیادت ذاتی گروه‌های مسلط همنوایی کنند. لطفه‌هایی را که با چنین نیتی روایت و پراکنده می‌شوند «سیادت‌ستیز» می‌نامیم.

لطیفه‌های سیادت‌ستیز به‌ویژه بر «کودن» بودن ارباب قدرت تاکید دارند تا نشان دهند آنها نه تنها هیچگونه برتری بر مردم عادی ندارند بلکه در هوش و قوه تمیز و تشخیص، به‌مراتب از دیگران پایین‌ترند، همچون لطیفه‌هایی که در ایران پیرامون سپهد نخجوان پراکنده می‌شد:

تیمسار نخجوان در دوره‌ای که ریاست دبیرستان نظام را به عهده داشت به بازدید از ورزش دانش‌آموزان علاقه زیادی داشت. در یکی از این روزها دبیر ورزش فرمان داد: پای راست بالا!

یکی از دانش‌آموزان پای چپ را بلند کرده بود و چون پای چپ هر کس کنار پای راست نفر بعدی قرار می‌گرفت دو پا، کنار هم، بلند شده بود. نخجوان با عصبانیت فریاد کشید: آن فرد چرا هر دو پایش را بلند کرده است؟ (شیفته، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

نمونه این لطیفه‌ها درباره نخست‌وزیر، محمد ساعد مراغه‌ای، نیز منتشر می‌شد:

ساعد به مغازه کفش‌فروشی رفت. لنگه راست را به پای چپ و لنگه چپ را به پای راست کرد و گفت: «کفش‌های خوبی است، فقط یک ایراد بزرگ دارد. کفش‌ها را لنگه به لنگه تولید کرده‌اند» (شیفته، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

میخائیل باختین بر کارکرد لطیفه‌ها در «فرایند از بین بردن فاصله‌ها» انگشت تاکید می‌گذارد. هر یک از ارباب قدرت به اقتضای موقعیت سیاسی، فاصله خود را از توده‌ها حفظ می‌کند؛ حفظ این فاصله بنا بر «ضرورت وارسی‌ناپذیر بودن قدرت» است که فوکو به آن اشاره دارد (فوکو، ۱۳۸۷: ۲۵۰)؛ اما لطیفه‌ها با فراهم کردن «ارتباط بی‌پرده، هر نوع مناسبات سلسله‌مراتبی را که انفصال و اعتبار ایجاد می‌کند از بین می‌برند» (باختین، ۱۳۸۷: ۵۷). هنگامی لطیفه‌ای پیرامون یکی از نخبگان حاکم منتشر می‌شود که او را در انجام ساده‌ترین کارهای عادی و روزمره ناتوان نشان می‌دهد؛ با ریشخندی که این روایت ایجاد می‌کند دیوار انفصال و اعتباری که با این «فاصله‌گذاری» در پی آن بوده‌اند فرو می‌ریزد.

در گروهی از این لطیفه‌ها بر دانش اندک زمامداران تاکید می‌شود. این بی‌سوادی، هم برتری و سیادت ذاتی آنها را بر سایر مردم که زیربنای اصلی سلطه منزلتی است زیر سوال می‌برد و هم

صلاحیت‌شان را برای نشستن بر چنین مناصبی رد می‌کند همچون حکایت‌هایی که درباره حسنی مبارک بر سر زبان‌ها بود:

از روسای جمهور مصر پرسیدند که سخت‌ترین سال زندگی آنها چه سالی بوده است؟

* جمال عبدالناصر اندکی فکر کرد و گفت: «سال ۱۹۶۷»؛

* سادات کمی فکر کرد و گفت: «سال جنگ رمضان، ۱۹۷۳»؛

* حسنی مبارک بلافاصله گفت: «سال دوم دبیرستان» (Shehata, 1992: 87).

در لطیفه‌ها می‌توان واکنش توده را به قهرمان‌سازی از رهبران حکومت‌های اقتدارگرا و بر ساختن چهره‌ای فراانسانی و نیمه‌خدا از آنها رصد کرد. به بیان باختین با بهره‌گیری از قوالب طنز و تمسخر «قهرمانان و نیمه‌خدایان به مرتبه سفلی نزول می‌یابند و در محیطی معمولی و به زبان روز تصویرسازی می‌شوند» (باختین، ۱۳۸۷: ۵۵). کوشش حکومت قذافی در ساختن قهرمانی یگانه از او با پراکنده شدن لطیفه‌هایی که بر بی‌سوادی و بی‌اطلاعی او انگشت‌تاکید می‌گذاشت خنثی می‌شد: قذافی شنید که مبارک در کما است و از یکی از وزرای خود پرسید: «کما چقدر از لیبی فاصله دارد؟» (Ebaidi, 2017: 29).

در ایران نیز در زمان نخست‌وزیری محمد ساعد مراغه‌ای، مردم با انتشار لطیفه‌هایی تلاش می‌کردند بر بی‌سوادی او تاکید کنند:

ساعد از سفر اروپا بازگشت و به عباس مسعودی، مدیر روزنامه اطلاعات، گفت: «تبریک می‌گویم. روزنامه اطلاعات خیلی ترقی کرده و در اروپا هم خواهان دارد. در هر شرکت، وزارتخانه و هتل یک تابلوی «اطلاعات» در سالن ورودی نصب کرده‌اند» (حکیمی، ۱۳۷۲: ۱۹۳).

برخی از لطیفه‌های سیادت‌ستیز نیز حاکمان را در مقامی فروتر از حیوانات نمایش می‌دهند. به این لطیفه‌ها به‌ویژه در حکومت‌های اقتدارگرایی که استیلایشان برای مدتی طولانی برقرار بوده است همچون حکومت مصر در دوران حسنی مبارک و همچنین حکومت‌های اشغالگر مانند آلمان نازی بر می‌خوریم؛ چه، به بیان اسکات «نابرابری‌های عظیم در منزلت و قدرت، روایت نهانی شدیدی ایجاد می‌کند» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۹):

ابوغزاله، وزیر جنگ مصر، به زئیر رفت و دولت زئیر دو میمون به او داد: یکی برای خودش و دیگری برای مبارک. هنگامی که به مصر بازگشت، مبارک و ابوغزاله تصمیم گرفتند میمون‌ها را

بفروشدند تا برای بدهی ملی مصر پول جمع کنند. هر کدام به گوشه یکی از خیابان‌های قاهره رفتند. بعد از اینکه ابوغزاله میمونش را فروخت، رفت تا ببیند مبارک با میمونش چه کار می‌کند، اما میمون را در حال شمارش پول دید (Shehata, 1992: 85).

در ایران دوره مظفرالدین‌شاه، روایت طنزپردازی از طبقات پایین پراکنده شده بود که با گروهی از صاحب‌منصبان و نخبگان حکومتی به سفر رفته بود که دزدان آنها را غارت می‌کنند و مرکب‌های ایشان را می‌گیرند اما اهالی یک روستا به داد آنها می‌رسند. راوی ضمن تعریف ماجرا تاکید می‌کند که اهالی روستا به هر یک از آنها الاغی داده‌اند و به یک‌یک نخبگان حاکم که در جمع حضور داشتند اشاره می‌کند: «آقا یک خر... این آقا هم یک خر...» و به نفر آخر که می‌رسد می‌گوید: «این آقا هم یک کره خر...» (با مداد/ج ۱، ۱۳۶۳: ۳۹۶).

نفی پابندی گروه‌های حاکم به ایدئولوژی حکومت

سلطه ایدئولوژیک یا سومین ساحت سلطه، با تبلیغ تقید نخبگان حاکم به یک جهان‌بینی مشخص برقرار می‌شود. گزاره‌هایی برآمده از این ایدئولوژی که نابرابری‌ها را توجیه می‌کنند و از طرفی آیین‌هایی که پابندی همه‌جانبه اصحاب سلطه را به این ایدئولوژی به نمایش می‌گذارند برای پایایی این قلمرو سلطه ضروری است. این ساحت سلطه با راهبرد «پنهان‌سازی» حمایت می‌شود تا هر نشانه و خبری را که پابندی ارباب قدرت را به این ایدئولوژی زیر سوال می‌برد پنهان کنند (اسکات، ۱۳۹۶: ۶۷). اما راهبرد «نفی» در روایت‌های نهانی عامه، بنا بر ویژگی انعکاسی این روایت، به عیان کردن آنچه پنهان کرده‌اند می‌پردازد و بر عدم پابندی نخبگان حاکم به این ایدئولوژی تاکید می‌کند. تظاهر به پابندی به یک ایدئولوژی مشخص، یکی از بخش‌های بنیادین روایت رسمی حکومت است؛ اما حکومت با این تظاهر، سلاحی را هم در دسترس توده‌های مردم می‌گذارد تا هر یک از تصمیم‌های حکومت و رفتار زمامداران را با این ایدئولوژی بسنجند و به آنها ثابت کنند به همان ایدئولوژی و معیارهای برآمده از آنکه پایه مشروعیت‌شان را ساخته است بی‌توجه هستند مانند این لطیفه که به تفاوت سطح زندگی لنین و روستائیان در دوران قحطی اشاره دارد:

در طول جنگ داخلی که قحطی بسیاری از بخش‌های روسیه را در بر گرفته بود، گروهی از دهقانان برای شکایت به مقر لنین آمدند. یکی از آنها گفت: «ما از گرسنگی مثل اسب‌ها علف‌خواری را شروع کرده‌ایم. به زودی مانند اسب‌ها شیهه

خواهیم کشید.» لنین گفت: «نگران نباش. مگر ما که داریم چای با عسل می‌خوریم مثل زنبورها وزوز می‌کنیم؟» (Davies, 2014: 2).

فروید در طبقه‌بندی خود از لطیفه‌ها، گروهی از آنها را «لطیفه‌های شکاک» می‌نامد؛ لطیفه‌هایی که «به قطعیت دانسته‌های ما حمله می‌کنند» (فروید، ۱۳۹۱: ۱۲۱). این دیدگاه فروید با نظریه روایت‌های نهانی اسکات، جایی که توده‌ها تقید گروه‌های حاکم را به ایدئولوژی ادعایی با شک و تردید مواجه می‌کنند پیوند می‌خورد. همچون این لطیفه که مردم را از زندگی اشرافی لئونید برژنف آگاه و پایبندی او را به ایدئولوژی حکومت نفی کند:

مادر برژنف به دیدار پسرش می‌آید. وقتی می‌بیند او چگونه زندگی می‌کند، اشک می‌ریزد و می‌گوید: «اگر سرخ‌ها برگردند چه کار کنیم؟» (Graham, 2003: 80).

میخائیل باختین، توانایی خارق‌العاده خنده و لطیفه را در نزدیک کردن یک موضوع خاص به شنندگان می‌داند تا امکان ارتباط بی‌پرده با آن فراهم شود. در چنین وضعیتی «می‌توان همه جوانب موضوع را از نزدیک با سرانگشتان خود لمس و به آن شک کرد، آن را عریان و تجزیه کرد و آزادانه به بررسی پرداخت» (باختین، ۱۳۸۷: ۵۷). اصرار انور سادات، رئیس جمهور مصر، به اثبات علاقه خود به شریعت اسلام و انتشار عکس‌هایی که او را تسبیح‌به‌دست در حال ذکر و دعا نشان می‌داد با پراکندن لطیفه‌هایی همراه شد تا پایبندی واقعی او را به شریعت اسلامی با شک و تردید مواجه کنند:

سادات هر روز، قبل از اینکه از خانه خارج شود به همسرش می‌گفت: «جیهان، لطفا عصا و زیبیه‌ام را بیاور» (Shehata, 1992: 81). زیبیه همان جای مهر است که پس از سال‌ها عبادت، روی پیشانی ظاهر می‌شود.

حکومت‌های پس از مشروطیت در ایران به پایبندی به آرمان‌های نهضت مشروطیت وانمود کرده، مجلس شورای ملی را مجلس مقدس شورای ملی می‌نامیدند؛ اما مردم با ساختن لطیفه‌هایی جایگاه واقعی مجلس و در نتیجه مشروطیت حکومت را به پرسش می‌کشیدند؛ چنان که مجلس شورای ملی را «مجلس شوربای ملی» (بامداد/ ج ۲، ۱۳۶۳: ۴۲۸) می‌خواندند و از نماینده‌ای صحبت

می کردند که طی سی سال وکالت مجلس، فقط یک بار سخن گفت؛ وقتی نماینده دیگری که نزدیک او نشسته بود عطسه کرد، ایشان گفت: «عافیت باشد!» (گردآوری شده توسط نگارنده).

نفی آبادانی کشور و رضایت مردم

حکومت‌ها در نمایش عمومی و روایت رسمی، بر شایستگی خود در آبادی و پیشرفت کشور و کسب رضایت مردم اصرار می‌ورزند. اما استفاده عامه از ترفند «نفی آبادانی» خدشه‌ای را نیز به این گوشه از تصویر برساخته حکومت‌ها وارد می‌کند.

لطیفه‌هایی که ادعای حکومت‌ها را درباره آبادانی و پیشرفت کشور به ریشخند می‌گیرند نسبت به سایر لطیفه‌ها از بسامد بالایی برخوردارند. در برخی از این لطیفه‌ها پیش از این که به جزئیات نابسامانی‌ها اشاره شود، تکاپوهای حکومت در ساختن تصویری فریبنده از وضعیت کشور به ریشخند گرفته می‌شود. همچون این لطیفه که درباره شیوه برخورد هر یک از رهبران اتحاد جماهیر شوروی با مشکلات کشور نقل می‌شد:

رهبران اتحاد جماهیر شوروی ژوزف استالین، نیکیتا خروشچف و لئونید برژنف با قطاری در حال سفر هستند. ناگهان قطار می‌ایستد. استالین سعی می‌کند مشکل را حل کند: به مهندس قطار به دلیل خرابکاری شلیک می‌کند و کمک راننده به سبیری تبعید می‌شود اما قطار تکان نمی‌خورد. حالا نوبت خروشچف است. او کمک راننده را از اردوگاه کار اجباری برمی‌گرداند و به او می‌گوید: «می‌دانم که شما مدت زیادی در تبعید بوده‌اید، اما لطفاً سعی کنید به یاد آورید که قطار چگونه به حرکت در می‌آمد.» او هم نمی‌تواند قطار را راه بیندازد. نوبت برژنف می‌شود. او دستور می‌دهد پرده همه پنجره‌ها را بکشند و به مسافران می‌گوید خودشان را روی صندلی تکان بدهند و می‌گوید: «اکنون، قطار در حال حرکت است» (Davies, 2011: 238).

در برخی از این گونه لطیفه‌ها ابزارهای حکومت در تبلیغ روایت رسمی و نمایش عمومی همچون مطبوعات و رادیو و تلویزیون هدف گرفته می‌شود:

کالینین، عضو دفتر سیاسی حزب، در مورد صنعتی شدن اتحاد جماهیر شوروی سخنرانی می‌کند و آسمان‌خراش‌های بیست طبقه جدیدی را که اخیراً در خیابان کارل مارکس در خارکف ساخته شده است، توصیف می‌کند. ناگهان یکی از شنوندگان حرف او را قطع می‌کند: «رفیق کالینین، من اهل خارکف هستم. تقریباً هر روز در آن خیابان قدم می‌زنم، اما هیچ آسمان‌خراشی ندیده‌ام!».

کالینین پاسخ می‌دهد: «رفیق، اگر به جای پرسه زدن در خیابان‌ها روزنامه بخوانی، متوجه می‌شوی که در شهرت چه خبر است» (Graham, 2003: 84).

هنگامی که مردم تصمیم می‌گیرند به جزئیات وضعیت نابسامان کشور اشاره کنند بنا بر ویژگی بازتابی روایت نهانی، دست به بازنمایی در برابر بازنمایی‌های حکومت می‌زنند و اگر حکومت برای شکل دادن به روایت خود از اوضاع کشور با دستکاری واقعیت، تصویری آرمانی از وضعیت موجود ارائه می‌دهد مردم نیز با اغراقی که از سویی پاسخ به اغراق حکومت است و از طرفی اقتضای ساختن لطیفه است به بازنمایی واقعیت موجود می‌پردازند. مانند این لطیفه آمریکایی که روایت گر فقر و گرسنگی است:

دولت از ما می‌خواهد که کمربندهایمان را ببندیم. اما متأسفانه ما قبلاً کمربندهایمان را خورده‌ایم (Speier, 1998: 1345).

و یا این لطیفه از اسپانیای عصر فرانکو که با بهره‌گیری از ادبیات حکومت، وضعیت هولناک اقتصادی را بازنمایی کرده است:

ژنرال فرانکو در یکی از سخنرانی‌های معروف خود در میدان دو اورینته مادرید اعلام کرد: «در سال ۱۹۳۹، کشور ما در لبه پرتگاه بود. اما اکنون، به لطف رهبری شجاعانه من، ما یک گام بزرگ رو به جلو برداشته‌ایم!» (Valentin, 1987: 84).

بازنمایی مردم از اعمال نخبگان حاکم و تاثیر آن بر وضعیت اقتصادی در لطیفه‌ای نیز که در ایران بر سر زبان‌ها بود مشاهده می‌شود:

کودکی دوچرخه‌اش را کنار خیابان گذاشت و مشغول بازی شد. نگهبانی به او نزدیک شد و گفت: با چه جرأتی دوچرخه‌ات را این‌جا گذاشته‌ای؟ این‌جا محل رفت و آمد وزرا و وکلایست.
کودک پاسخ داد: نگران نباش. دوچرخه را با زنجیر بسته‌ام. نمی‌توانند آن را بدزدند (گردآوری شده توسط نگارنده).

ارائه تابلویی از عقب‌ماندگی‌ها و نابسامانی‌های کشور در برابر روایت‌پردازی‌های آرمانی حکومت، تنها به شرایط اقتصادی محدود نمی‌شود. شرایط اختناق و نبودن آزادی‌های سیاسی و آزادی بیان نیز دستمایه بسیاری از لطیفه‌هایی است که با موضوع «نفی آبادانی کشور و رضایت توده‌ها» ساخته شده‌اند. همچون این لطیفه میانماری:

مردی برای کشیدن دندان به هند رفت و توضیح داد که «در میانمار ما اجازه نداریم دهان خود را باز کنیم» (Freedman, 2019: 139).

به بیان اسکات: «روایت نهانی ذاتاً نمایانگر گفتمانی است که معمولاً با اعمال قدرت از نمایش عمومی زیردستان حذف می‌شود؛ بنابراین اعمال سلطه روایت نهانی ایجاد می‌کند. اگر سلطه بسیار شدید باشد ممکن است روایت نهانی به همان شدت ایجاد شود (اسکات، ۱۳۹۶: ۳۹). از همین‌رو در مناطقی از جهان که آزادی بیان محدودتر است لطیفه‌ها در بازنمایی شرایط موجود صریح‌تر و اغراق‌آمیزترند. مانند این لطیفه از بلاروس:

لواکشکو در یخچال را باز می‌کند، ژله گوشت را آنجا می‌بیند و به آن می‌گوید: «چرا می‌لرزی؟ من برای بردن خامه ترش آمده‌ام!» (Astapova, 2021: 19).

خنثی کردن پنهان‌سازی حکومت

قدرت سعی می‌کند قابل رویت و غیر قابل واریسی باشد (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۵۰). غیر قابل واریسی بودن قدرت از این‌روست که توده‌ها نتوانند موارد مخدوش‌کننده تصویری را که نخبگان حاکم از خود ارائه کرده‌اند ببینند اما اصرار مردم بر واریسی قدرت این تلاش حکومت را بی‌اثر می‌گذارد. لطیفه‌هایی که به خنثی کردن این بخش از تلاش‌های حکومت اختصاص دارند گاهی تنها به مردم زینهار می‌دهند که حکومت، چیزهایی را از چشم آنها پنهان کرده است. همچون این لطیفه آمریکایی:

وقتی یک رئیس‌جمهور می‌گوید که روی کارنامه خود ایستاده است، منظورش به معنای واقعی کلمه این است که شما را از بررسی آن باز دارد (Preston, 1975: 252).

در لطیفه‌ای که درباره علاقه بیش از حد نیکیتا خروشچف به مشروبات الکلی ساخته شده، از سویی به تلاش حکومت برای پنهان‌کاری اشاره و از طرفی رفتار متناقض حکومت به سخره گرفته می‌شود که اگر چنین نسبتی به خروشچف، افترا است پس دیگر یک راز دولتی نخواهد بود:

یک شهروند اتحاد جماهیر شوروی به دلیل اینکه خروشچف را مست و بی‌کفایت می‌خواند به ده سال زندان محکوم شد. سه سال برای افترا به یک مقام عالی رتبه، هفت سال برای افشای یک راز دولتی (Chamberlin, 1957: 30).

تلاش حکومت برای پنهان کردن فساد اخلاقی اجزای خود و تکاپوی مردم برای از پرده بیرون انداختن این اطلاعات، در حکایتی که پیرامون جعفر قلی میرزا، حاکم مشهد، بر سر زبان‌ها بود هویداست:

درویشی در کوچه و خیابان مشهد می‌گشت و لعنت می‌کرد: بر قمارباز لعنت، بر خروس‌باز لعنت، بر لاطی لعنت. حاکم که از تاثیر نفس درویش می‌هراسید او را احضار کرد و گفت: همین طور لعنت کن و به کارت ادامه بده. اما آخری را نگو. درویش بعد از آن در کوچه و بازار می‌گشت و لعنت می‌کرد: بر قمارباز لعنت، بر خروس‌باز لعنت، بر لاطی لعنت به جز جعفر قلی میرزا! (بامداد/ ج ۵، ۱۳۶۳: ۶۳).

در نظریه روایت‌های نهانی تاکید می‌شود که «همه شکل‌های سلطه باید چیزی را از چشم زيردستان پنهان کنند ولی برخی از شکل‌های سلطه چیزهای بیشتری برای پنهان ساختن دارند» (اسکات، ۱۳۹۶: ۶۴). در تبلیغات حکومت چائوشسکو همواره بر جایگاه علمی و دانشگاهی همسر او، النا، تاکید می‌شد. اما لطیفه‌هایی که درباره سطح نازل دانش او منتشر می‌شدند سعی می‌کردند بهره‌اندک او را از اطلاعات علمی آشکار کنند:

چائوشسکو شب به خانه آمد. اما بی‌قرار و عصبی بود. النا با عصبانیت به او گفت: «چرا آرام نمی‌گیری؟»

- النا، عزیزم، امروز در روزنامه در مورد قانون گرانس خواندم و یادم نمی‌آید که این قانون را امضا کرده باشم. تو ممکن است بدانی؟

- چرا از من می‌پرسی؟ می‌دانی که من اهل سیاست نیستم، من یک شخصیت آکادمیک هستم! (Glavan, 2019: 173).

روایت نهانی در مقام عمل

واضح نظریه روایت‌های نهانی تاکید دارد که توده‌ها در روایت‌های نهانی خود فقط به کنش‌های گفتاری بسنده نکرده، بلکه این رویارویی مجموعه‌ای از اقدامات عملی را نیز در بر می‌گیرد تا غضب دسترنج فرودستان به حداقل برسد. خشونت گروه‌های مسلط سبب می‌شود تا فرودستان از نافرمانی علنی پرهیز کنند و در جستجوی شیوه‌هایی از مقاومت باشند که به کمترین رویارویی آشکار با گروه‌های حاکم نیاز داشته باشد: «اگر مسئله کنترل زمین مطرح باشد آنها استفاده غیرقانونی از زمین را به نافرمانی و تصرف آشکار زمین ترجیح می‌دهند و اگر مسئله مالیات مطرح باشد ترجیح می‌دهند به‌جای شورش، از پرداخت مالیات فرار کنند» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

«تجاهل» یکی از ترفندهای فرودستان در رویارویی با گروه‌های فرادست در بخش عملی روایت‌های نهانی است: «بردگانی که کاری می‌کنند تا اربابشان بر اساس دیدگاه کلیشه‌ای رایج آنها را دست و پا چلفتی بداند ممکن است موفق شوند میزان کاری را که از آنها انتظار می‌رود کاهش دهند» (اسکات، ۱۳۹۶: ۴۶).

بهره‌گیری از نقاب جهل، به ابزاری برای کاهش استثمار گروه‌های حاکم تبدیل می‌شود به گونه‌ای که/اریک هابزبام می‌نویسد: «امتناع از فهمیدن نوعی مبارزه طبقاتی است» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۴۶). در برخی لطیفه‌ها، تظاهر به بی‌اطلاعی و حتی کندذهنی، به عنوان روشی برای گمراه کردن فرادستان به فرودستان آموزش داده می‌شود. چنین لطیفه‌هایی به‌ویژه در کشورهای تحت اشغال و در دوره‌هایی که نظام فرادستی/فرودستی تشدید می‌شد شکل می‌گرفتند:

یک کشاورز دانمارکی که در کنار پادگان ارتش اشغالگر نازی زندگی می‌کرد مجبور شد تخم‌مرغ‌های خود را به سربازان آلمانی تحویل دهد. چند روز بعد، آلمانی‌ها خواستار دو برابر شدن تعداد تخم‌مرغ‌ها شدند. کشاورز کاغذی را در مرغداری نصب کرد که روی آن نوشته شده بود. مرغ‌ها! از طرف ارتش آلمان درخواست شده تا دو برابر تخم بگذارید. روز بعد، وقتی گشتی آلمانی آمد تا تخم‌مرغ‌ها را ببرد، کشاورز گفت: «من هیچ تخم‌مرغی ندارم. وقتی مرغ‌ها از دستور

شما اطاعت نکردند و می‌بینید که من آن را به آنها ابلاغ کرده بودم، همه آنها را سر بریدم. باید نظم و انضباط داشته باشند» (Hong, 2010: 40).

بن‌مایه تجاهل یا وانمود کردن به کندذهنی در لطیفه‌ها تنوع زیادی دارد. در برخی لطیفه‌ها با تجاهل، شعارهای دائمی حکومت‌ها به پرسش کشیده شده و نقض می‌شود مانند این لطیفه از اتحاد جماهیر شوروی:

یک تلگرام: «به لنین، کرملین، مسکو. رفیق لنین، من درخواست کمک مادی دارم. ایوانف.»

آنها ایوانف را به KGB احضار کردند: «حافظه‌ات را از دست داده‌ای؟ لنین خیلی وقت پیش مرده.»

– وقتی شما به او نیاز دارید، او «جاودانه زندگی می‌کند»، اما زمانی که من به او نیاز دارم، او «مدت‌ها پیش مرده است» (Graham, 2003: 97).

در بعضی لطیفه‌ها نیز با استفاده از ابزار تجاهل، به واقعیت‌هایی پیرامون حکومت اشاره می‌شود. مانند این لطیفه که بر مبنای یک اشتباه تایپی کوچک در آلمان شرقی شکل گرفته است:

یک تایپیست در یکی از ادارات آلمان شرقی والتر اولبریخت، دبیر اول ZK (کمیته مرکزی حزب اتحاد سوسیالیست) را به صورت دبیر اول KZ (اردوگاه کار اجباری) تایپ کرده بود (Speier, 1998: 1365).

در لطیفه‌هایی از مصر، توده‌های روستایی در ظاهر با بی‌اطلاعی از معنایی که از کلام شان برداشت می‌شود حاکم را به عنوان یک گاو مخاطب قرار می‌دهند. کارکرد چنین لطیفه‌هایی آموزش تجاهل در گفتگو با فرادستان است که گاهی می‌توان به خاطر تحقیرهای هر روزه‌ای که هر نوع نظام سلطه‌ای در بطن خود دارد، از گروه‌های مسلط انتقام گرفت:

حاکم با استقبال روستاییان مشتاق مواجه شده است. آنها برای ابراز علاقه و وفاداری کامل خود، به او می‌گویند: «آقا، اگر یک گاو خوب و سخت‌کوش داشته باشید، آن را رها می‌کنید؟» (Badarneh, 2011: 312).

این بهره‌گیری از تجاehl برای تحقیر فرادستان در این لطیفه ایرانی به‌خوبی هویداست:

حسینقلی‌خان بختیاری، رئیس ایل بختیاری، به دیدن حکمران اصفهان آمده بود. روزی که حکمران و میهمان با جمعی از سران شهر در تالار حکومتی نشسته بودند لری سر و پا برهنه وارد شد و سلام گفت. خان سر برداشت و گفت: برای چه به شهر آمده‌ای؟

پاسخ داد: آمده‌ام تو را زیارت کنم.

خان گفت: احمق! خر و گاو و گوسفند خود را رها کرده‌ای و چندین فرسخ پیاده به دیدن من آمده‌ای؟ چه ضرورت دارد؟

جواب داد: ای خان ... خرم تویی، گاوم تویی، گوسفندم تویی ... (دهخدا/ ج ۲، ۱۳۷۶: ۷۳۵).

توده‌ها در بخش اقدامات عملی روایت‌های نهانی یک نظام مراقبت و ملامت نیز ایجاد می‌کنند تا بر همترازان خود نظارت داشته باشند و به همان اندازه که زمامداران، زیردستان را زیر نظر دارند هم قطارانشان هم آنها را تحت نظر داشته باشند (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۴۳). هر زیردستی که به طمع، امتیازی بخواهد خود را برای فرادستان شیرین کند باید در جمع فرودستان به آنها پاسخگو باشد. مجازات‌هایی که سایر افراد فرودست برای او در نظر می‌گیرند «از اطوار کوچک حاکی از ناخرسندی تا طرد کامل و البته ارباب و خشونت فیزیکی را در بر می‌گرفت» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۴۳). این نظام مراقبت و ملامت به ایجاد هنجارهایی در بین فرودستان می‌انجامد که در بیان اسکات «محتوای هنجارساز روایت نهانی» نامیده می‌شود (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۴۳). فرودستان در مراقبت از این هنجارها به همگامی چشمگیری دست می‌یابند که قدرت مجازات و تنبیه جمعی را به آنها می‌بخشد و «سلاحی قدرتمند» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۴۳) در دست ایشان به شمار می‌آید.

بی‌تحریکی توده‌ها در برابر گروه‌های حاکم، مضمون برخی از لطیفه‌هایی است که با درونمایه «ملامت» بعضی فرودستان شکل گرفته‌اند. همچون لطیفه‌ای از مکزیکی که با سرزنش فراوان تاکید می‌کند هیچ خطری از جانب فرودستان مکزیکی، گروه‌های فرادست را تهدید نمی‌کند:

دو نماینده سازمان کشورهای آمریکایی، در یک جلسه با شنیدن سخنانی‌های خسته‌کننده، به خواب رفتند که ناگهان با فریادی از جا پریدند: «ما خواهان عدالت اجتماعی برای کارگران و استانداردهای بالاتر زندگی هستیم!»

یکی از آنها گفت: «چه کسی به کمونیست‌ها اجازه ورود داد؟»
و دیگری پاسخ داد: «فقط مکزیکی‌ها هستند، برگرد بخواب» (Schmidt, 2014: 64).

و یا این لطیفه که در دوران بحران اقتصادی یونان پراکنده شده بود:

اینطور نیست که ما شورشی نیستیم. ما فقط بدشانسیم که کاناپه سلاح نیست
(Tsakona, 2019: 154).

در نظام‌های اقتدارگرا همچون حکومت‌های کمونیستی این سرزنش‌ها با گزندگی و تحقیر بیشتر
توده‌های ستم‌پذیر همراه هستند؛ همچون این لطیفه از کشورهای کمونیستی:

یک روز یک سرباز مست شوروی در خیابان‌های ورشو، راه یک لهستانی را
می‌بندد، او را به شدت کتک می‌زند و کیف پول او را می‌گیرد و به راه می‌افتد.
لهستانی به دنبال او می‌دود و فریاد می‌زند: «حداقل برای من ده زلوتی باقی بگذار!»
هنوز حق عضویت را در انجمن دوستی لهستان و شوروی پرداخت نکرده‌ام!
(Powell, 1988: 49).

نسبت لطیفه و آرزوهای توده

انتقال شفاهی روایت‌های نهانی «آشناترین و ابتدایی‌ترین شکل پنهان‌سازی ستیزه‌جویی مردم» است.
«مولف این روایت‌ها قابل شناسایی نیست و ده‌ها بازگوکننده مشتاق می‌توانند ادعا کنند آنها را از
دیگران شنیده‌اند. این پراکندگی مسئولیت، چنین تهاجمی را میسر می‌سازد» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۵۵).
سرعت و گستره انتشار قالب‌های مختلف روایت‌های نهانی همچون لطیفه‌ها، ترانه‌ها و قصه‌های
معترض و حتی شایعات، گواه آن است که افراد بیشماری در این انتشار شرکت داشته‌اند، چون تنها
ابزار پراکنده شدن این روایت‌ها، انتقال‌های شفاهی و فرد به فرد بوده است. از سویی تنها محرک و
مشوق این افراد در نقل دهان به دهان و نجواگونه این روایت‌ها همسویی و همنوایی آنها با امیال و
خواسته‌های شنوندگان است که در غیر این صورت نقل و انتشار آن متوقف می‌شد. به همین جهت،
اسکات روایت‌های نهانی را «یک صدای دموکراتیک» می‌نامد «چون تنها در صورتی منتشر می‌شود
که دیگران بازگویی آن را به نفع خود بدانند» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۵۵). این وجه دموکراتیک

روایت‌های نهانی اقتضا می‌کند که به آرزوها، امیدها، نگرانی‌ها و جهان‌بینی آدم‌هایی که آنها را می‌شنوند نزدیک باشد تا آن را بازگو کنند. بنابراین می‌توان ردپای آرزوهای فرودستان را در لطیفه‌ها پیدا کرد. از سویی می‌توان توقع داشت هر لطیفه بر اساس اینکه در کدام منطقه یا در میان چه طبقه یا قشری به گردش درآید شکل متفاوتی پیدا کند. از همین رو آرزوی توده در لطیفه‌هایی که در آلمان شرقی منتشر می‌شد ایجاد رخنه در دیوار برلین و همچنین رهایی از سیطره اتحاد جماهیر شوروی بود و در لطیفه‌هایی که در مصر و زیمبابوه دهان به دهان می‌چرخید مرگ دیکتاتورهایی که سال‌های طولانی زیسته و حکومت‌شان دوام یافته بود:

اریش هونه کراز سفر مسکو بازمی‌گردد. در فرودگاه کسی به استقبال نیامده است. تمام چراغ‌ها روشن است اما حتی یک روح هم در آنجا دیده نمی‌شود. پارکینگ هم خالی است. لیموزین او روشن است اما صندلی راننده هم خالی است. سوار می‌شود تا به مقر حزب برود. اما همه خیابان‌ها و فروشگاه‌ها خالی‌اند و فقط چراغ‌ها روشن هستند. سرانجام به دروازه براندنبورگ می‌رسد. سوراخ کوچکی را در دیوار برلین می‌بیند. نزدیکتر می‌شود و یادداشتی را کنار سوراخ می‌بیند: تو آخرین نفر هستی اریش! لطفاً قبل از بیرون آمدن چراغ‌ها را خاموش کن! (Astapova, 2021: 201). مضمون محوری لطیفه با تصویرسازی از خیابان‌ها و ساختمان‌هایی که کاملاً خالی هستند و شهری که همه ساکنانش آن را رها کرده و رفته‌اند به این آرزوی توده اشاره دارد که روزی این دیوار فرو بریزد و همه مردم آزادانه مسیری را که دوست دارند انتخاب کنند. رنج‌هایی که مردم اروپای شرقی از فشارهای اتحاد جماهیر شوروی متحمل می‌شدند سبب می‌شد آرزو کنند به یک‌باره از تمام نفوس شوروی آسوده شوند:

در یک تعاونی کشاورزی در جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی سخنان با تاکید

می‌گوید: «شوروی به زودی به ماه پرواز خواهد کرد.»

یک کشاورز می‌پرسد: «همه آنها؟» (Speier, 1998: 1361).

در لطیفه دیگری نیز که درباره چند تن از حاکمان اقتدارگرای آفریقا از جمله موگابه نقل شده، به آرزوی مردم زیمبابوه برای مرگ او اشاره شده است:

پلیس، یک راننده را متوقف و درخواست کمک مالی می‌کند: «تروریست‌ها رابرت

موگابه را ربوده‌اند و تهدید کرده‌اند او را در بنزین بخوابانند و در صورت پرداخت

نشدن باج، او را آتش بزنند.»

راننده می‌پرسد: «دیگران چقدر می‌دهند؟»

- به طور متوسط حدود دو یا سه لیتر (Davies, 2014: 214).

نتیجه‌گیری

مضامین لطیفه‌های سیاسی پیوستار وسیعی از واکنش توده‌ها را به سلطه فرادستان در بر می‌گیرد؛ به گونه‌ای که می‌توان برخی از مهم‌ترین ابعاد رفتار سیاسی عامه مردم را در بن‌مایه‌های متنوع این لطیفه‌ها رصد کرد. انتشار این لطیفه‌ها گواه رفتار سیاسی چند لایه، ترکیبی و پیچیده توده‌هاست. بنابر نظریه روایت‌های نهانی، یک تناظر دقیق بین هر یک از ترفندهای ارباب قدرت در ساختن نمایش عمومی و روایت رسمی حکومت با واکنش توده‌ها به این شگردها برقرار است. اگر فرادستان می‌کوشند سلطه را به صورت همزمان در سه جبهه مادی، منزلتی و ایدئولوژیک پیش ببرند، توده‌ها نیز در هر سه جبهه با آنها رویارو می‌شوند. لطیفه‌هایی که اقتدار و صلابت نظامی حکمرانان را زیر سوال می‌برد برای خنثی کردن سلطه مادی آنها کاربرد می‌یابد، لطیفه‌هایی که با برجسته کردن ضعف‌های شخصیتی آنها سیادت و برتری ذاتی ایشان را به چالش می‌کشد سلطه منزلتی را بی‌اثر می‌کند و لطیفه‌هایی که عدم پابندی آنها به ایدئولوژی مورد ادعایشان را از پرده بیرون می‌اندازد سلطه ایدئولوژیک را عقیم می‌گذارد. در این میان، لطیفه‌هایی که ادعاهای حکومت را در آبادانی کشور و رضایت توده‌ها ریشخند می‌کنند از بسامد بالایی برخوردارند، ادعایی که بخش مهمی از نمایش عمومی و روایت رسمی زمامداران را می‌سازد. در این لطیفه‌ها گاه به ساختار دوگانه‌ای برمی‌خوریم که در بخش نخست ادعای حکومت تایید و در پاره دوم لطیفه این ادعا به سخره گرفته می‌شود. در گونه دیگری از این لطیفه‌ها نیز تمام متن به تایید ظاهری روایت حکومت تعلق دارد، اما درون‌مایه ثانوی آن نقد تند این روایت را در بر دارد، رویکردی که از آن در نظریه روایت‌های نهانی به استعار پیچیده یاد می‌شود. در گونه لطیفه‌هایی که برای خدشه‌دار کردن شعار رضایت مردم پراکنده می‌شدند لطیفه‌هایی که بر فضای اختناق و حکومت ترس انگشت تاکید می‌گذاشتند از تنوع درخور توجهی برخوردارند.

همانگونه که حکومت‌ها از راهبرد پنهان‌سازی به صورت گسترده برای برساختن روایت خود و تدوین نمایش عمومی بهره می‌برند توده‌ها نیز بنا بر ویژگی بازتابی روایت‌های نهانی، با فراوانی و بسامد بالایی به ساختن لطیفه‌هایی دست می‌زنند که آنچه را حکومت تلاش کرده از مردم پنهان کند از پرده بیرون بیندازند.

بنابر نظریه روایت‌های نهانی، رفتار سیاسی توده‌ها تنها به کنش‌های گفتاری محدود نشده و عامه برای به حداقل رساندن بهره‌کشی‌ها به اقدام‌های عملی نیز متوسل می‌شدند. تظاهر به کند ذهنی یکی از این شگردهاست که در بعضی از لطیفه‌ها به فرودستان آموزش داده می‌شود. این بخش عملی از روایت‌های نهانی یا ترفند تجاهل، در لطیفه‌هایی به چشم می‌خورد که در دوره‌های اشغالگری ارتش‌های مهاجم یا حکومت‌های اقتدارگرای دیرپا پراکنده می‌شدند؛ دوران‌هایی که نظام فرادستی فرودستی تشدید می‌شد و بهره‌کشی و خشونت، عریان‌تر از سایر دوره‌ها و حکومت‌ها بود.

یکی دیگر از ابعاد بخش عملی روایت‌های نهانی، ایجاد نظام مراقبت و ملامتی است که مردم برای نظارت بر یکدیگر می‌سازند تا از نزدیک شدن فرودستان به نخبگان حاکم جلوگیری کنند. لطیفه‌هایی که بازتاب دهنده این بخش از رفتار سیاسی عامه هستند در بسیاری موارد به نکوهش ستم‌پذیری توده‌ها اختصاص دارند.

اما در کنار تمام این تکاپوها، توده‌ها برای خدشه‌دار کردن تصویری آرمانی که زمامداران از وضعیت جامعه و کشور می‌سازند، تمایل دارند تصویری از وضعیت مطلوبی که خود در نظر دارند ارائه کنند؛ از همین‌روست که برخی لطیفه‌ها دربردارنده امیدها و آرزوهای توده‌ها هستند و شرایطی دیگرگون را در آینده نوید می‌دهند. نزدیک بودن درون‌مایه این لطیفه‌ها به دغدغه‌ها، امیدها و آرزوهای کسانی که آنها را نقل می‌کنند شرط ضروری انتقال و روایت حداکثری آنهاست؛ از همین‌رو لطیفه‌ها به یک صدای دموکراتیک در جامعه تبدیل می‌شوند که باز هم در تقابل با روایت‌پردازی‌های یکجانبه نخبگان حاکم است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mehdi Mirkiaei



<https://orcid.org/0000-0003-3101-0378>

فهرست منابع

- اسکات، جیمز، (۱۳۹۶)، *سلطه و هنر مقاومت؛ روایت‌های نهانی*، ترجمه افشین خاکباز، تهران: مرکز.
- باختین، میخائیل، (۱۳۸۷)، *تخیل مکالمه‌ای، جستارهایی درباره رمان*، ترجمه رویا پورآذر، تهران: نی.

- بامداد، مهدی، (۱۳۶۳)، *شرح حال رجال ایران*، ج ۱ و ۲، تهران: زوار.
- حکیمی، محمود، (۱۳۷۲)، *لطیفه‌های سیاسی*، قم: خرم.
- شیفته، نصرالله، (۱۳۸۰)، *شوخی در محافل جدی*، تهران: کومش.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۶)، *امثال و حکم*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- فروید، زیگموند، (۱۳۹۱)، *لطیفه و ارتباطش با ناخودآگاه*، ترجمه آرش امینی، تهران: ارجمند.

References

- Astapova, Anastasiya, (2021), *Humor and Rumor in the Post-Soviet Authoritarian State*, London: Lexington Books.
- Badarneh, Muhammad A, (2011), "Carnavalesque Politics: A Bakhtinian Case: Study of Contemporary Arab Political Humor", *Humor*, Vol. 24, No. 3, 305-327. DOI 10.1515/HUMR.2011.019
- Chamberlin, William Henry, (1957), "The "Anecdote": Unrationed Soviet Humor", *The Russian Review*, Vol. 16, No. 3, pp. 27-34.
- Davies, Christie, (2014), "The Rise and Fall of the Political Joke", *Hungarian Review*, No. 2, pp.44-51.
- Davies, Christie, (2011), *Jokes and Targets*, Indiana: Indiana University Press.
- Ebaidi, Hanan A, (2017), "Resolving Ambiguity of Some Egyptian Political Jokes Contemporaneous with 2011 Revolution", *English Language and Literature Studies*, Vol. 7, No. 4. DOI 10.5539/ells.v7n4p25.
- Freedman, Leonard, (2008), *The Offensive Art: Political Satire and Its Censorship Around the World from Beerbohm to Borat*, Los Angeles: Praeger.
- Glăvan, Gabriela, (2019), "The Life and Times of Ceaușescu Jokes", *Metacritic Journal for Comparative Studies and Theory*, Vol. 5, No. 1, 157-176.

- Graham, Benedict, (2003), A Cultural Analysis of the Russo-Soviet Anecdote, Benedict Graham Ph.D, Pittsburgh: University of Pittsburgh.
- Hong, Nathaniel, (2010), "The Weapon of Humor in Two Danish World War II", *Humor*, Vol. 23, No. 1, 27, 64. DOI 10.1515/HUMR.2010.002
- Hillenbrand, F. K. M, (1995), *Underground Humour in Nazi Germany, 1933-1945*, London: Taylor & Francis Routledge.
- Powell, Chris, (1988), *Humour in Society Resistance and Control*, Birmingham: University of Aston.
- Schmidt, Samuel, (2014), *Mexican Political Jokes as Social Resistance*, Arizona: The University of Arizona Press.
- Shehata, Samer S, (1992), "The Politics of Laughter: Nasser, Sadat, and Mubarak in Egyptian Political Jokes", *Folklore*, Vol. 103, No. 1, pp. 75-91.
- Speier, Hans, (1998), "Wit and Politics: An Essay on Power and Laughter", *American Journal of Sociology*, Vol. 103, No. 5, pp. 1352-1401.
- Talmadge, I. D. W, (1943), "The Enjoyment of Laughter in Russia", *Russian Review*, Vol. 2, No. 2, pp. 45-51.
- Tsakona, Villy, (2018), "Intertextuality and/in Political Jokes", *Lingua*, Vol. 203, No.1, PP. 1-15.
- Valenti'n, Uxi'o, (1987), "Franco Jokes: The Spaniards are Still Getting Even with the Generalissimo", *Journal of Popular Culture*, Vol. 1, No. 1, pp. 83-92.

In Persian

- Bakhtin, Mikhail, (2008), "The Dialogic Imagination", Translated by Roya Pour Azar, Tehran: Ney. [In Persian]
- Bamdad, Mehdi, (1984), *Biography of Iranian Elites*, Tehran: Zavar. [In Persian]

- Dehkhoda, Ali Akbar, (1997), *Anecdotes and Tips*, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Hakimi, Mahmoud, (1993), *Political Jokes*, Qom: Khoram. [In Persian]
- Scott, James, (2017), *Domination and the Art of Resistance*, Translated by Afshin Khakbaz, Tehran: Markaz. [In Persian]
- Shifteh, Nasrollah, (2001), *Joke in Serious Gatherings*, Tehran: Koumesh. [In Persian]



استناد به این مقاله: میرکیایی، مهدی، (۱۴۰۴)، «کارکرد لطیفه‌های سیاسی در مواجهه فرودستان با نخبگان حاکم»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۴، شماره ۵۴، ۴۱-۷۴.

DOI: 10.22054/QPSS.2024.79216.3399



Quarterly of Political Strategic Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License